



بررسی راه کارهای مقابله با ظلم اجتماعی از نگاه قرآن

زهرا وافی^۱

چکیده

ظلم اجتماعی که عبارت دیگری از کم گذاشتن، ضایع کردن و پایمال کردن حقوق دیگران و بی عدالتی نسبت به آنان است؛ بزرگترین درد اجتماع بشر در همه‌ی زمان‌ها محسوب می‌شود. اگرچه گریز از ظلم و عشق به عدالت، امری فطری است، اما غالب افراد، به مقتضای غریزه‌ی سودجویی، کوشش می‌کنند تا آنچه که به نفع خود می‌دانند، برخوردار شوند؛ هرچند دست‌یابی به آن باعث تجاوز به حقوق دیگران گردد. این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف گسترش فرهنگ عدالت در جوامع بشری به‌ویژه در جوامع اسلامی نگاشته شده است؛ در پی پاسخ به این پرسش است که: راه کارهای قرآنی برای مقابله با ظلم اجتماعی چیست؟ نتیجه‌ی برآمده از این مقاله این است با تتبع در آیات شریفه، مشخص شده است که مجموعه‌ی راه کارهای قرآنی برای رفع معضل بی عدالتی اجتماعی، عبارت است از سه راه کار فرهنگی، تقنینی و اجرایی؛ بر هریک از افراد و مسئولان اجرایی لازم است با بهره‌گیری از این راه کارهای کارآمد قرآنی در جهت مقابله با ظلم اجتماعی تلاش نمایند.

واژگان کلیدی

ظلم اجتماعی، مقابله با ظلم اجتماعی، راه کارهای فرهنگی، راه کارهای تقنینی، راه کارهای اجرایی.

مقدمه

از حق خدا که بگذریم، مردم نیز صاحب حق‌اند که باید به حقوق آن‌ها احترام گذاشت و نباید به حریم آن‌ها تجاوز نمود. بدیهی است که انسان‌ها از همین ناحیه، مرتکب بیشترین ستم می‌شوند؛ جامعه‌ی انسانی زمانی می‌تواند به سعادت برسد که به دور از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی باشد. واقعیات تلخ تاریخی حکایت از این دارد که از روز نخست حیات بشر در زمین تاکنون، افرادی از انسان‌ها به جهت رهروی از غریزه سودجویی، کوشش نموده تا حد ممکن از منافع خود برخوردار شوند؛ هرچند باعث نادیده‌گیری منافع و تجاوز به حقوق دیگران شوند. قرآن کریم (که عهده‌دار راهنمایی بشر برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها است) برای مقابله با ظلم اجتماعی و داشتن جامعه‌ای سالم و الهی و به دور از هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری، به ارائه‌ی راهکارهایی مناسب پرداخته است؛ در ادامه‌ی این مقاله، شاهد تبیین سه راهکار فرهنگی، قانونی و اجرایی مطرح شده در خلال آیات قرآنی خواهید بود.

الف) راه‌های فرهنگی

یکی از راه‌های مقابله با ظلم اجتماعی، راهکار فرهنگی است. اساساً، شماری از ظلم‌ها در جامعه‌ی بشری معلول این است که زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی مطلوب در جامعه وجود ندارد. شاید به این علت که نه مسئولان و نه شهروندان، چندان به راه‌های فرهنگی مقابله با ظلم در جامعه آگاه نیستند. البته ممکن است روش‌های فرهنگی برای مقابله با ظلم اجتماعی زمان‌بر باشند، اما از آن‌جا که این شیوه می‌تواند روش خوبی برای از بین بردن ظلم اجتماعی باشد، پرداختن به آن‌ها در قالب عناوین پیش‌روی، امری سودمند می‌باشد:

۱- ارتقای فرهنگ مبارزه با ظلم اجتماعی

اولین راهکار فرهنگی در مبارزه با ظلم اجتماعی این است که فرهنگ مبارزه با آن، در جامعه بالا رود. مرکز توجه مردم باید به صورت جدی و روشمند مقابله با ظلم باشد؛ آنچنان که به صورت ارزش و فرهنگ همگانی درآید. برای اجرایی کردن این امر دو راهکار ارائه می‌شود:



یکم: تلاش تبلیغاتی

بر اساس مفاد آیات شریفه، تبلیغ دین، اقامه‌ی عدل و مبارزه با ظلم، در مرحله‌ی اول به عهده‌ی انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام است، اما در مرحله‌ی بعدی، این وظیفه بر دوش عالمان و متولیان فرهنگی و تبلیغی جامعه قرار گرفته است. با توجه به اینکه عصری که در آن قرار گرفته‌ایم به عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات معروف شده است، «رسانه» به عنوان ابزار تبلیغاتی مهم، به خوبی می‌تواند فرهنگ جلوگیری از ظلم اجتماعی را برای همگان نهادینه کند و از عهده‌ی این وظیفه‌ی دینی برآید (پاک‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۶). رسانه‌ها نباید تابع فرایند امور جامعه باشند، بلکه باید به‌طور مستقل به آسیب‌شناسی ارزش‌ها و ضد ارزش‌های حاکم در جامعه بپردازند و به‌هنگام ضرورت، از آسیب‌های موجود در جامعه، خیرخواهانه و جسورانه، پرده بردارند. وقتی رسانه‌ها از ظلم و فقر جامعه و از سختی‌های مردم سخن بگویند، مسئولان را وا می‌دارند که برای اجرای مقابله با ظلم‌های اجتماعی بیشتر تلاش کنند. (سیدباقری، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۲۰)

دوم: تلاش دولت‌مردان

مسئولان و دولت‌مردان نیز، در نهادینه‌شدن فرهنگ مبارزه با ظلم اجتماعی نقش بسزایی دارند. آن‌ها می‌بایست در راستای توجه و بازسازی مطالبه‌ی مقابله با ظلم، از سعه‌ی صدر و روحیه‌ی نقدپذیری، برخوردار باشند و از اندک نقدی آشوب نکنند. قرآن به عنوان کتاب راهنمای انسان در زندگی فردی و اجتماعی به روابط میان مؤمنان و دولت‌مردان اشاره می‌کند و مسأله‌ی انتقاد و انتقادپذیری را به روشنی طرح و مصادیقی را بیان می‌کند. (بقره: ۳۰-۳۷؛ قراتی، ۱۳۸۳: ۸۷/۱) برای نمونه در داستان مورچگان و حضرت سلیمان علیه‌السلام نیز به خوبی این مسئله نشان داده شده است. (نمل: ۱۹) آن حضرت با آنکه در مقام قدرت بود، به انتقاد ملکه مورچگان گوش می‌دهد. ملکه مورچگان به صراحت و تند رفتار و اعمال آن حضرت و لشکریانش انتقاد می‌کند و نسبت به لشکرکشی حضرت اعتراض می‌نماید و می‌کوشد تا رفتار وی را مورد ارزیابی قرار دهد و آثار زیست محیطی آن را گوشزد کند. حضرت سلیمان علیه‌السلام هم با تبسم انتقاد مورچه را می‌پذیرد و به حرف‌های مورچه توجه می‌کند. (قرآنی،

(۴۰۶/۸: ۱۳۸۳)

۲. نظارت رسمی بر رفتار کارگزاران نظام

دومین راه کار فرهنگی که می تواند در مقابله با ظلم اجتماعی کارایی داشته باشد، نظارت رسمی و دقیق بر کارکردهای کارگزاران است. یکی از واقعیات تاریخی که به تجربه اثبات شده، آن است که نمی توان صرفاً به «وجدان کاری»، «عمل به وظیفه» یا صرف «نظارت مردمی» از سوی همهی شهروندان، دل بست و امیدوار بود که همه به کار و وظیفه خود به خوبی عمل می کنند. هرچند این امور می تواند در امور جامعه مشکل گشا باشد، اما اگر انتظار این باشد که همهی اشخاص به آن تن در دهند و آن را رعایت کنند، دچار نوعی آرمان گرایی نامطلوب شده ایم. در قرآن کریم به چنین نظارت دقیقی اشاره شده است؛ آن جا که حضرت سلیمان علیه السلام زمانی که کارگزار خود را که یک پرنده است، مفقود می بیند می فرماید: ﴿لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛ قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد﴾ (نمل: ۲۱) به این معنا که بر کار کوچک ترین عضو دولت نیز می بایست نظارت صورت گیرد و کارگزار باید پاسخ گو باشد. تفقد از زیر دست، بازدید از کار آنان و جست و جوی از احوالشان، از اصول اسلامی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و مدیریتی است (قرآنی، ۱۳۸۳: ۴۰۸/۸).

۳. همکاری و تعاون اجتماعی

سومین راه کار فرهنگی که می توان برای مقابله با ظلم اجتماعی از آن بهره جست، همکاری و تعاون اجتماعی است. دستورها و مفاهیم ارزشی و قانونی، هر قدر هم که قوی و کارگشا باشند در صورتی جامعه را به سوی تکامل و حرکت می برند که افراد آن نیز به همکاری با یکدیگر باور داشته باشند. اگر در جامعه، سستی و رخوت باشد، کسی یاری گر دیگری نباشد و برای دیگران اهمیت نداشته باشد که هم کیشان و هم میهنانش چه وضعی دارند؛ چندان نمی توان به آن دستورها و تبصره های قانونی در کتابها امیدوار بود و توقع داشت که در جامعه، در برابر ضد ارزش ها مقابله شود. علاوه بر حکم عقل، در قرآن کریم نیز به اهمیت تعاون و همیاری در جامعه ای اسلامی اشاره شده است: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون

کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید ﴿مانده: ۲﴾ جامعه‌ی مسلمین بر آنچه که نیکوست باید اجتماع کنند و در مقابل با آنچه که اثم و عدوان است، یعنی عمل زشت و تعدی بر حقوق حق‌هی مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است؛ مقابله کنند و همدیگر را در این امر یاری رسانند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۲۶۶؛ قرآنی، ۱۳۸۳: ۳/۲۳). در کلامی از پیامبر اسلام ﷺ نیز نقل شده است: «بهترین کارها، انصاف در میان مردم و همکاری با برادر دینی در امور خدایی است» (مجلسی، بی تا: ۸/۳۴۵).

۴. مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری مسئولان و مردم

چهارمین راه‌کار فرهنگی برای مقابله با ظلم اجتماعی، مسئولیت‌پذیری همگان می‌باشد. آشفتگی و نابسامانی امور جامعه، ناشی از آن است که مردم یا مسئولان، به درستی به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل نمی‌کنند. مسئله‌ی آزاردهنده آن‌گاه است که برخی از دولت‌مردان و مردم به وظایف خود آگاهند، ولی به آن‌ها عمل نمی‌کنند. اگر وجدان کاری و درک درست مسئولیت‌ها در جامعه فراگیر شود و مردم و مسئولان طبق آن عمل کنند، جریان امور به گونه‌ای دیگر رقم خواهد خورد و بسیاری از گره‌ها و بن‌بست‌ها باز می‌شود. در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ به عنوان مثال قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ؛ هیچ‌گونه کاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد﴾ (فاطر: ۱۸).

خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می‌نماید که بار سنگین مسئولیت را احدی از انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هرکس مسئول پاسخ‌گویی به اعمال خویش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۲۲۴). اگر برخی از مدیران ما در اداره‌ها و سازمان‌های دولتی، به صداقت کار می‌کردند و به وظیفه‌ی خود عمل می‌نمودند، مقابله با ظلم‌های موجود در اجتماع سهل‌تر بود (سیدباقری، ۱۳۸۶: ۱۳۲). بزرگترین مقابله‌ی فرهنگ با ظلم، طرح بحث قیامت و اعتقاد به مبدأ و معاد است که بخش قابل‌توجه قرآن را شامل می‌شود؛ زیرا برخورد قانونی یا اجرایی فراگیری ندارد و نمی‌تواند بازدارندگی داشته باشد مگر اینکه ترس درونی ایجاد شود که شخص در خلوتش هم از آن حساب ببرد و آن ترس از مبدأ و معاد است.

همین ترس از خداوند باعث شد که هابیل دست به قتل برادرش قابیل نزند آن جا که می فرماید: ﴿مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾؛ من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم، چون از پروردگار جهانیان می ترسم ﴿مانده: ۲۸﴾ کسی که قیامت را باور داشته باشد، غریزه‌ی ترس از خدا در دلش بیدار گشته و نمی گذارد مرتکب ظلم شود و در پرتگاه هلاکت قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۴۹۱).

ب) راه‌های تقنینی

برای مقابله با ظلم اجتماعی، تدارک قوانین صحیح و عادلانه و اجرای درست آن‌ها نیز نقش بسزایی دارد. قوانینی که مصالح مادی و معنوی همه‌ی شهروندان را به طور یکسان تضمین کند و با اسرار و وجودی انسان و اصول حاکم بر روابط اجتماعی بشر هماهنگ بوده و بتواند جامعه را به سوی هدف نهایی رهنمون گردد. با تعیین قانون برگرفته از وحی و اجرای صحیح و به موقع آن توسط قانون‌گزاران کارآمد، می‌توان جلوی ظلم در جامعه را گرفت. در جهت دستیابی به عدالت و نابودی ظلم در جامعه، به مواردی از راه‌ها و کارهایی که قانون و قانون‌گزار می‌تواند به کار بندد اشاره می‌شود:

یکم: برخورد قاطع با مجرمان اجتماعی

مکتب اسلام با در نظر گرفتن مجازات‌های گوناگون از جمله اجرای قصاص، حد و مجازات‌های تعزیری درصدد مبارزه با هرگونه ظلم و فساد و بازدارندگی انواع جرم در جامعه می‌باشد. در آموزه‌های دینی در هیچ مورد، مجازات هدف اصلی نیست، بلکه همان‌طور که گفته شد وسیله‌ای بازدارنده برای مجازات شونده یا دیگر مردم است. به همین دلیل دستور داده شده است در مواردی باید اجراء مجازات، به‌طور علنی و آشکارا باشد تا اثر بازدارندگی خود را در جامعه ببخشد و نیز در مجازات‌های تعزیری، هرگاه مجرم از راه دیگری از گناه خودداری و توبه کند، مجازات از میان می‌رود. همان‌طور که در قرآن نیز در مورد حکم قصاص به این مطلب اشاره شده است (بقره: ۱۷۸) که قصاص واجب نیست، بلکه مستحب هم نمی‌باشد و برای جلوگیری از جنایت جنایتکاران و تکرار موارد مشابه، این حق به اولیاء مقتول داده شده و آن‌ها مجاز به این کار هستند و حتی بعد از بیان حکم قصاص می‌فرماید:

«اگر قصاص نکنید و جانی را مورد عفو و بخشش قرار دهید، بهتر است». در این آیه خداوند حکمت تشریح قصاص را «حیات» معرفی می‌کند نه کینه و عداوت و انتقام جویی (و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید) و اشاره دارد به اینکه شارع حیات و زندگی ای برای مردم در نظر گرفته که خود مردم از آن غافلند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۶۵۸). بنابراین وضع قوانینی در جهت برخورد سریع و قاطعانه با کسانی که ناامنی و فساد در جامعه ایجاد می‌کنند، می‌تواند نتایج مطلوب فردی و اجتماعی و طبق بیان قرآن، مجازات و کیفر متخلفان و بزه‌کاران سبب می‌شود که هم خودشان و هم دیگران آثار بد آن را ببینند و دیگر مرتکب آن تخلف نشوند: ﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾؛ ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های بعد از آنان، و پند و اندرز برای پرهیزکاران قرار دادیم ﴿(بقره: ۶۶).

دوم: داوری و قضاوت عادلانه

دومین عمل کرد قانونی در برابر ظلم اجتماعی این است که داوری و قضاوت به حق صورت گیرد. بسیاری از اوقات که از «عدالت» صحبت به میان می‌آید، به نظر می‌رسد راه‌کار داوری و قضاوت از اهمیت و کارکرد بالایی حکایت دارد. در قرآن کریم نیز بر این امر تأکید شده است و در آیاتی، پیامبران الهی به داوری به حق دعوت شده‌اند: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ﴾؛ ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده‌ی خود) در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد ﴿(ص: ۲۶) در این آیه جانشینی خداوند و داوری عادلانه در کنار یکدیگر به کار رفته‌اند و درصدد بیان این مطلب است که هدف از جانشینی خداوند، عدالت‌ورزی و مقابله با ظلم می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۱۹۵). برای اجرای درست این راه‌کار، باید به اموری توجه شود؛ از جمله:

- انتخاب قاضیان مستقل و شایسته

لازم است که انتخاب قضات مستقل و شجاع در دستگاه قضایی لحاظ شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۵۱: ۲۳). زیرا این دستگاه پناه و ملجأ مردم می‌باشد تا از آنان در برابر قدرت بی‌حد

دولت مردان و افراد زور مدار، دفاع کند. ممکن است مدیری براساس قدرتی که دارد بخواهد به فرد عادی ظلم کند؛ این جا است که تنها قاضیان مستقل و بی طرف در قوه قضائیه هستند که می توانند حق ستانی کنند.

- دغدغهای داوری منصفانه و به حق در صدور حکم

احقاق حق جامعه و افراد باید برای قاضی و دادگاه مهم باشد و هیچ چیزی نباید وی را از این هدف دور سازد. در روایات نیز بر رعایت تساوی در طرفین دعوا و تبعیض قائل نشدن میان آنان تأکید شده است تا جایی که بیان شده حتی قاضی باید نگاه خود را بین طرفین به تساوی تقسیم کند (نک: حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۷۰۹/۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۱۴).

- آگاهی و فهم عمیق

آگاهی از قوانین قدیم و جدید، آیین دادرسی کشور، آشنایی با نوع جرم، درک مقتضیات زمانی، مکانی و شرایط بین المللی در برخی محاکمات، امری ضروری است. قضات در محاکمه مجرمان سیاسی یا اقتصادی نباید به مشهورات، جنجال مخالفان و استنادات رسانه‌ای توجه کنند و از گرایش‌های سیاسی، فکری و حزبی به دور باشند (سیدباقری، پیشین: ۱۶۸-۱۷۰).

سوم: اجرایی و عملیاتی نمودن فریضه امر به معروف و نهی از منکر

سومین مورد در راستای نقش قوانین در مبارزه با ظلم اجتماعی، اجرایی کردن دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. اسلام از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت مشاهده‌ی ستم و گناه سکوت نکنند، بلکه همواره دیگران را به خوبی‌ها امر کنند و از بدی‌ها باز دارند. تأکیدهای مکرر قرآن کریم، در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اهمیتی است که اسلام برای سالم‌سازی محیط اجتماع و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل شده است. از منظر دینی این فریضه چنان گسترده است که اجرای کامل آن همه‌ی مصالح اجتماعی را تأمین می‌کند. (اسلامی، ۱۳۸۲: ۹-۱۰) قرآن کریم مردم را به این امر مهم دعوت می‌کند و آن را از لوازم و واجبات اجتماع سالم و صالح می‌داند: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ



الْمُفْلِحُونَ؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند!
و آن‌ها همان رستگارانند ﴿آل عمران: ۱۰۴﴾

آنچه که حکومت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی را از دیگر جوامع و حکومت‌ها متمایز می‌سازد، حضور گسترده‌ی ابزار نظارت و کنترلی است به نام امر به معروف و نهی از منکر که هم‌زمان حق شهروندان و در عین حال وظیفه‌ی دینی آن‌ها است. اگر این فریضه به جد گرفته نشود، به تدریج روند احساس بی‌نیازی در مسئولان حکومت و از سوی دیگر حالت بی‌تفاوتی در مردم پدید می‌آید که نتیجه‌ی آن، حاکمیت بدکاران و ظالمان خواهد بود. (اسلامی، ۱۳۸۲: ۱۱).

احزاب و گروه‌های مستقل می‌توانند در این زمینه نقش خوبی ایفا کنند. برخی بر این عقیده‌اند که همان‌طور که احزاب و گروه‌ها، نقش و کارکردهای مشخص شده‌ای دارند، امر به معروف و نهی از منکر هم می‌تواند در جوامع امروزی برخی نقش‌های احزاب را ایفا کند. برخی مزیت‌های احزاب عبارتند از: نظارت همگانی، انتقاد از حکومت، رقابت سالم سیاسی، حاضرکردن مردم در صحنه، حساس نمودن آنان، آموزش سیاسی به آنان و بالابردن سطح آگاهی‌های ایشان (عالم، ۱۳۹۴: ۳۴۳-۳۴۴). اگر قانون از دو امر بزرگ امر به معروف و نهی از منکر حمایت کند و عملیاتی شود، مردم جامعه می‌توانند مانند دیده‌بانی همیشه بیدار و ناظری امین و آگاه، به پیرامون خود بنگرند و برخی از کارویژه‌های احزاب را انجام دهند.

چهارم: شایسته‌سالاری

از دیگر موارد راه‌کار قانونی برای مقابله با ظلم در جامعه، گزینش افراد شایسته است که به عنوان یک اصل مطرح است. باید گزینش‌ها بر مبنای ضوابط باشد نه روابط. نظامی که رسالتش مقابله با ظلم و ستم و اقامه عدالت است، تبعیض در واگذاری اختیارات را برنمی‌تابد. در جامعه‌ای که شایسته‌سالاری حاکم نباشد، ظلم گسترش می‌یابد. شایسته‌سالاری منشأ و حیانی دارد. خداوند علیم و حکیم پیامبرانش را از بهترین‌ها برگزیده است و آنان را با امکانات و تجهیزاتی مانند کتاب، میزان و آهن (ضامن اجرا) فرستاده تا انسان‌ها را به گونه‌ای تعلیم و تربیت کنند که به صورت خودجوش اقدام به برپایی عدالت

کند. (حدید: ۲۵)

در جامعه‌ی اسلامی، باید واگذاری اختیارات پس از ارزیابی صلاحیت‌ها انجام گیرد. مردم نیز به‌طور طبیعی انتظار دارند که از لحاظ قانونی، امکانات و فرصت‌ها برای همگان به‌طور عادلانه فراهم گردد. بنابراین متولیان قانون در نظام اسلامی باید کار را به کاردان بسپارند. تعهد و تخصص در واگذاری مسئولیت‌ها اعتبار شود و کارگزاران و کارمندان حکومت بر اساس شایستگی و نه وابستگی‌های حزبی، طایفه‌ای و قومی انتخاب شوند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۷) اجرای قانون به مدیریتی توانا و شایسته نیاز دارد.

ج) راه‌های اجرایی

به جهاتی می‌توان گفت: کاربردی‌ترین راه‌کارها برای مقابله با ظلم اجتماعی، عبارت است از راه‌های اجرایی. هنگامی می‌توان از مهلکه‌ی ظلم در جامعه خلاصی یافت که جامعه‌ی اسلامی و تک‌تک افراد آن، وظایف خود را در مقام اجرا به خوبی عهده‌دار شوند و راه‌های اجرایی را به صورت جدی پیگیر باشند و قدمی به سوی پیاده‌شدن آن‌ها در جامعه بردارند. راه‌های اجرایی در سه محور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است. در واقع اگر جامعه‌ای بتواند سه حوزه‌ی سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به سامان برساند، مسائل اجتماعی نیز در آن جامعه سامان می‌گیرد.

یکم: راه‌های اجرایی از بعد سیاسی

عرصه‌ی سیاست و امور سیاسی از مواردی است که زمینه‌ی ظلم در آن بسیار فراهم است که برای مقابله با آن راه‌هایی توصیه می‌شود:

یک- رعایت مساوات و برابری نسبت به مردم توسط حاکمان

اولین راه اجرایی برای مقابله با ظلم این است که حاکمان در نگرش و نیز رفتار خود نسبت به مردم، همه‌ی آن‌ها را با هم برابر بدانند و به یک چشم به آن‌ها بنگرند و در بهره‌مندی از حقوق اساسی جامعه با آن‌ها یکسان رفتار نمایند و هیچ‌گونه ملاحظه‌ی شخصی و طبقاتی در کار نباشد (مطهری، بی‌تا: ۲۵۳/۲۵) قرآن کریم به رعایت عدالت بین مردم توسط حاکمان دستور می‌دهد که قطعاً یکی از مهم‌ترین مصادیق آن رعایت برابری و مساوات میان مردم



است: ﴿فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن‌چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوی و هوس‌های آنان پیروی مکن، و بگو: (به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم خداوند پروردگار ما و شماسست نتیجه‌ی اعمال ما از آن ما است و نتیجه‌ی اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست و خداوند ما و شما را در یک جا جمع می‌کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست ﴿ (شوری: ۱۵)

معنی تعبیر زیبای قرآنی ﴿لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾ این است که دستور داریم که میان شما به عدالت رفتار کنم و در دین و دعوتم بین شما تساوی برقرار سازم. گفته شده معنایش این است که من مأمورم در بین شما در تمام امور به عدالت رفتار نمایم (طبرسی، ۱۳۷۷: ۹/۳۸).

دو - برابری مردم و حاکمان در برابر قانون

دومین راه از راه‌های اجرایی جلوگیری از ظلم اجتماعی از جهت سیاسی، برابری مردم و حاکمان در برابر قانون است. حاکمان باید بدانند که حکومت، امانتی است در دست آن‌ها و حق ندارند امتیاز ویژه برای خود یا وابستگان و خویشاوندان قائل باشند، بلکه آن‌ها با مردم در برابر قانون برابرند و هیچ اولویتی نسبت به آن‌ها ندارند و باید منافع مردم و خود را یکسان ببینند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۰/۱۳۵) معیارش هم این است که حاکمان و مدیران طوری تصمیم بگیرند و عمل کنند که حاضر باشند جای خود را با عامه‌ی مردم عوض کنند.

مؤمن کسی است که در برابر حق و از بین بردن ظلم هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نداشته باشد و حتی منافع خویش را برای اجرای این امر نادیده بگیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۱۶۳) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَلِئِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده

باشد! (چراکه) اگر آن‌ها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است ﴿ (نساء: ۱۳۵)

سه - مشارکت عمومی در اداره حکومت

سومین راه اجرایی برای ظلم‌ستیزی در جامعه از جهت سیاسی که می‌توان به آن اشاره کرد، حضور مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماع است. در حکومت اسلامی، رابطه‌ی حکومت با مردم، یکسویه نیست. یک انسان مسلمان نه تنها حق دارد بلکه موظف است در امر حکومت مشارکت کند (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱) خداوند برای زنده‌کردن شخصیت مؤمنان و تجدید فکری و روحی آنان، به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که در کارها با مسلمانان مشورت کن و رأی و نظر آن‌ها را بخواه: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد) (آل‌عمران: ۱۵۹).

دوم: راه‌های اجرایی مقابله با ظلم اجتماعی از بعد اقتصادی

مکتب اقتصادی اسلام، ارائه دهنده‌ی راه‌حلی است که با مفاهیم عدالت‌خواهی سازگار باشد تا آنجا روابط اقتصادی‌ای حلال و مجاز است که عادلانه باشد - مانند اخذ مالیات که برای حفظ توازن اقتصادی جامعه وضع شده است - و روابط اجتماعی ناعادلانه - مانند حرمت ربا - را حرام و غیر مجاز می‌شمارد.

قرآن کریم، علاوه بر اهتمام بر آخرت، بر استفاده از دنیا و بهره‌مندی از مواهب طبیعی، تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۱۸) و مواهب مادی، سرمایه‌ها و ثروت‌ها را مایه‌ی قوام جامعه می‌داند که در آیات بسیاری به آن پرداخته است: ﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَ

مِنْهَا تَأْكُلُونَ وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ وَ تَحْمِلُ أُنْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَحِيمٌ وَالْحَيْلُ وَالْإِغْلَالُ وَالْحَمِيرُ لَتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةٌ وَ يَخْلُقُ مَا لَتَعْلَمُونَ؛ و چهارپایان را آفرید درحالی که در آن‌ها، برای شما وسیله‌ی پوشش، و منافع دیگری است و از گوشت آن‌ها می‌خورید! و در آن‌ها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آن‌ها را به استراحتگاهشان بازمی‌گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید! آن‌ها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می‌کنند که جز با مشقت زیاد، به آن نمی‌رسیدید پروردگارتان رؤوف و رحیم است (که این وسایل حیات را در اختیارتان قرار داده)! همچنین اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را آفرید تا بر آن‌ها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید ﴿ (نحل: ۵-۸).

از نظر اسلام انبیاء الهی فقط مأمور تبلیغ مسائل اخلاقی یا عقیدتی نبوده‌اند، بلکه اصلاح وضع نابسامان اقتصادی نیز بخش مهمی از دعوت آن‌ها را تشکیل می‌داد. چنان‌که در سوره‌ی هود در این رابطه آمده است: ﴿ وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْلُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و ای قوم من! پیمان‌ه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید و از حق آنان نکاهید! و در زمین به فساد نکوشید ﴿ (هود: ۸۵) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹/۲۰۳) و نیز در سوره‌ی یوسف آمده است: ﴿ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ﴾ (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده ﴿ (یوسف: ۵۵) حضرت یوسف چون می‌دانست تا وقتی که به مسائل اقتصادی مردم سر و سامان ندهد، هیچ مسئله‌ای سامان پیدا نمی‌کند و تنها از طریق شکوفایی و برقراری عدالت اقتصادی است که می‌توان امور را کنترل کرد و سامان بخشید، تقاضای اعطای منصب خزانه‌داری و امور مالی را به وی نمود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۰۰).

در این جا به دو نمونه از فعالیت‌های اقتصادی که قرآن کریم برای تحقق ظلم ستیزی ارائه می‌دهد، اشاره می‌شود:

یک- عنایت ویژه به نیازمندان و رفع فقر از آنان

قرآن کریم نهی فرموده از این که توانگران به قوت و غلبه و به زور، زیاده از حق خود را

بردارند و فقرا را محروم ساخته یا بهره‌ی اندک بدهند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۲۴/۹) تا اموال عمومی که حق فقرا هم هست، به روش دوران جاهلیت بین توانگران دست به دست نگردد و فقرا و مستمندان از آن محروم نباشند: (کاشانی، همان: ۱۳/۷) ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است﴾ (حشر: ۷)

انفاق و ادای واجبات مالی نیز از جمله مواردی است که می‌توان در جهت رفع فقر در جامعه به کار گرفت: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید﴾ (آل عمران: ۹۲)

دو- توازن اجتماعی و تعدیل فاصله‌ی طبقاتی

از دیگر راه‌ها برای تحقق ظلم‌ستیزی در بعد اقتصادی، توازن اجتماعی و تعدیل فاصله‌ی طبقاتی است. تبعیض میان مردم و امتیازدهی به عده‌ای خاص، ظلمی اجتماعی است نسبت به کسانی که از این امتیازات، خدمات و تسهیلات بی‌بهره می‌مانند. منظور از توازن اجتماعی، توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی و نه از جهت درآمد است و مقصود از سطح زندگی این است که سرمایه به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار گردند و به عبارت دیگر، سطح زندگی یکسانی برای تمام اعضای جامعه تأمین شود (صدر، بی‌تا: ۳۲۵/۲). از جمله کارهایی که برای عملی‌شدن تعدیل فاصله‌ی طبقاتی می‌توان به کار گرفت، کنترل سودطلبی و آزمندی، جلوگیری از فساد مالی، مهارکردن سرمایه‌ها است. فساد، آثار سوئی در جامعه دارد که قرآن

کریم، رواج جور و ستم و پایمال کردن حقوق ستمدیدگان را از جمله‌ی این آثار بیان کرده است: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَذُ اللَّهُ مَعْلُوبَةً غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و يهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است، دست‌هایشان بسته باد! و به خاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است هرگونه بخواهد، می‌بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آن‌ها می‌افزاید. و ما در میان آن‌ها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنندیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند و خداوند، مفسدان را دوست ندارد﴾ (مانده: ۶۴)

سوم - راه‌های اجرایی مقابله با ظلم اجتماعی از بعد فرهنگی

اسلام که بیش از هر چیز، آئینی فطری و اخلاقی است، در مبحث پرهیز از ظلم و جور در بعد فرهنگی زندگی انسان‌ها، رهنمودها و راه‌هایی ارائه داده است؛ راه‌هایی که در زمینه‌ی ارزش‌ها، اخلاق و آداب و رسوم جمعی به کار گرفته شود. از رعایت عدالت در گفتار که اولین راه ایجاد ارتباط با دیگران در جامعه است تا رفتار درست در خانواده با همسر و والدین به عنوان اولین نهادی که انسان در اجتماع با آن‌ها مرتبط است.

در مورد عدالت در گفتار، این خصیصه اخلاقی موجب می‌شود افراد به نیرویی مجهز شوند که آن‌ها را از آنچه سزاوار نیست باز دارد: ﴿وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا؛ و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید﴾ (انعام: ۱۵۲) از نظر تعالیم اسلامی، کلام و گفتاری به دور از ظلم است که نیکو و مؤدبانه (اسراء: ۵۳) با ملایمت و آرامی (طه: ۴۴) و در عین حال صریح، قاطع، محکم و عاری از هرگونه دروغ و نفاق بیان شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۷/۱۶؛ قرآنی، پیشین: ۴۰۹/۷) و مبتنی بر حق؛ که هم از نظر محتوا و هم از لحاظ چگونگی بیان آن صحیح باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۷/۱۷) برای نمونه:

در مورد عدالت در رفتار با والدین در قرآن کریم بسیار بر آن سفارش شده است تا آنجا

که نیکی به پدر و مادر را در کنار توحید ذکر فرموده است: ﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید﴾ (بقره: ۸۳)

عدالت در رفتار با همسر نیز از موارد مقابله با ظلم اجتماعی از نگاه فرهنگی است. این رفتار شامل گشاده‌رویی، رفتار منصفانه، سخت‌گیری نکردن (نساء: ۱۹) پرداخت نفقه در حد متعارف و شایسته (بقره: ۲۳۳) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه در نوشته‌ی حاضر بیان شد به دست می‌آید که:

۱- بیان قرآن در مورد ظلم اجتماعی، حاکی از آن است که این پدیده‌ی اجتماعی، امری مبتلابه است. این امر با دعوت در جهت مقابله با ظلم و ظالم، پررنگ‌تر و تقویت می‌گردد به‌گونه‌ای که بازداشتن از ظلم سرلوحه‌ی دعوت انبیاء الهی پس از دعوت به توحید شمرده می‌شود. امروزه بشر در دنیا شاهد تبعیض نژادی‌ها، فقر مالی و اقتصادی، قتل و غارت، خونریزی و اختلاف طبقاتی است که همه‌ی نتیجه‌ی فراگیری ظلم در جامعه و عدم توجه کافی به این معضل اجتماعی است. اسلام به عنوان دین خاتم، مدعی پاسخ‌گویی به نیازهای بشری در هر عصری است و با توجه به اینکه قرآن کریم راهنمایی است برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها؛ بنابراین برای مقابله با این عاملِ هلاکت فردی و اجتماعی و تدارک جامعه‌ای سالم و الهی و به دور از هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری؛ راه‌کارهایی را ارائه نموده است.

۲- با مراجعه به تفاسیر معتبر، کتاب و مقالات علمی با محوریت قرآن کریم، از جمله راه‌هایی که برای مقابله با ظلم اجتماعی می‌توان استفاده نمود، راه‌های فرهنگی است، که با ارتقای فرهنگ مبارزه با ظلم اجتماعی، نظارت بر رفتار کارگزاران، همکاری و تعاون اجتماعی، وجدان‌کاری مردم و مسئولان و در آخر باور به مبدأ و معاد؛ می‌توان به این مهم دست یافت.

۳- دومین راه مقابله با ظلم اجتماعی، راه تقنینی است به این صورت که پس از تهیه‌ی قوانین معتبر و کارآمد، با مجرمان اجتماعی برخورد قاطع انجام گیرد، داوری و قضاوت،



عادلانه باشد، فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر اجرایی شود و در گزینش کارمندان، شایسته‌سالاری لحاظ شود.

۴- سومین راه مقابله با ظلم اجتماعی، راه‌های اجرایی است که در سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است. رعایت مساوات و برابری نسبت به مردم توسط حاکمان، برابری مردم و حاکمان در برابر قانون، مشارکت عمومی در اداره‌ی حکومت از جمله راه‌کارهایی است که می‌توان در عرصه‌ی مبارزه با ظلم اجتماعی از آن‌ها بهره جست.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۵)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، سلیمانزاده، قم.
۲. اسلامی، سیدحسن، (۱۳۸۲)، *نقش امر به معروف و نهی از منکر در مشارکت سیاسی*، خردنامه همشهری، ش ۱۵.
۳. پاکستان، عبدالکریم، (۱۳۸۷)، *ویژگی های مبلغان و معیارهای تبلیغ در قرآن*، مجله پاسدار اسلام، ش ۳۲۵.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، *تفسیر موضوعی قرآن*، ج ۴، اسراء، تهران.
۵. حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم.
۶. حسینی جرجانی، سیدامیر ابوالفتح، (۱۴۰۴)، *آیات الأحکام*، نوید، تهران.
۷. سلیمی، عبدالحکیم، (۱۳۸۴)، *راه کارهای تأمین عدالت*، کتاب نقد، ش ۳۷.
۸. سیدباقری، سیدکاظم، (۱۳۸۶)، *راه کارهای عدالت اجتماعی در نظام اسلامی*، کانون اندیشه جوان، تهران.
۹. صدر، سیدمحمدباقر، (بی تا)، *اقتصاد ما*، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، دارالتعارف، بی جا.
۱۰. طاباطبای، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، قم.
۱۱. _____، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، قم.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران.
۱۳. _____، (۱۳۷۷)، *جوامع الجامع*، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۴. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۹۴)، *بنیادهای علم سیاست*، ج ۲۷، نی، بی جا.
۱۵. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران.
۱۶. کاشانی، ملافتح الله، (۱۳۳۶)، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، کتابفروشی محمدحسن علمی، تهران.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، دارالکتب الإسلامیة، تهران.
۱۸. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۸)، *قانون اساسی*، تهران.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، صدرا، تهران.
۲۰. _____، (بی تا)، *مجموعه آثار*، بی نا، بی جا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، *آئین رحمت*، مدرسه‌ی امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم.
۲۲. _____، (۱۳۸۶)، *پیام قرآن*، دارالکتب الإسلامیة، تهران.
۲۳. _____، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیة، تهران.
۲۴. موسوی بجنوردی، سیدمحمد و روحانی، سمیه، (۱۳۵۱)، *شاخصه های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام با رویکردی بر آرای امام خمینی رحمته الله علیه*، پژوهش نامه‌ی متین، ش ۵۴.

